



هر دو هفته یکبار منتشر می شود



گفتگوی نشریه همبستگی با عبدالله اسدی در مورد افزایش متقاضیان پناهندگی از ایران

صفحه ۲

در کنفرانس سالیانه فدراسیون در استکهلم شرکت کنید
فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی واحد استکهلم کنفرانس سالیانه خود را برگزار میکند

صفحه ۳

اطلاعیه فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی واحد گوتنبرگ در خصوص راهپیمایی 20 نوامبر در دفاع از حقوق پناهندگان

صفحه ۴



بابک شدیدی

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی. کلکسیون درخشان در برابر قوانین ضد پناهندگی!

جمهوری اسلامی. حکومتی که زن در آن هیچ ارزشی ندارد

بی بی توکتم کاظمی یزدی



هر که این عشرت نخواهد خوشدلی بر وی تباه و آنکه این مجلس نجوید زندگی بر وی حرام

نمیدانم این شعر به موضوعی که می خواهم بنویسم چه ربطی پیدا می کند شاید به خاطر این است که حافظ را دوست دارم شاید به خاطر این است که حافظ از زندگی میگوید من تا به حال زندگی را تجربه نکرده ام شاید حافظ میگوید ایرانی باش و من می خواهم به اصل خود باز گردم و از دست دشمن رهایی یابم ولی وقتی به اطراف نگاه می کنم می بینم همه جا تاریک است و این کار رهایی از دشمنی که تا عمق افکارم رسوخ کرده و با همه چیز دشمنی دارد، با مدرنیته، با انسانیت و با زندگی را، مشکل می کند. آنچه به یاد می آید همه تاریکی است و نقاط روشن بسیار کوچکی دارند یادآوری روزهایی که من در سن نوازده سالگی به اجبار به ازواج مردی در آمدم که حداقل نوازده سال بزرگتر از من بوده و به اجبار وادار به زندگی با وی شدم و در طول

صفحه ۴

هزاران انسانی که از ترکیه گرفته تا اروپا و امریکا و استرالیا در شرایط سخت و طاقت فرسای پناهندگی بسر میبرند اند از افتخارات فدراسیون و فعالین خستگی ناپذیرش میباشد که در دفتر ..

صفحه ۴

جمهوری اسلامی و کمک به آنهاست . فدراسیون از بدو شکل گیری تا کنون پناهمگاهی برای تشکل گریختگان از ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی برای مبارزه در برابر قوانین ظالمانه و تبعیض آمیز دول غربی بوده . سالها مبارزه و نجات جان

امروز روز دیگر فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی برای ایرانیان داخل و خارج کشور سازمانی شناخته شده است . جمعی از انسانهایی که در چهارچوب فدراسیون فلسفه وجودیشان بدون در نظر گرفتن هر گونه تعلقاتی شناساندن حقوق انستهای گریخته از جهنم

اطلاعاتی مهم در مورد شرایط و پناهندگی و درخواست و اعلام پناهندگی قسمت اول
تهیه و تنظیم عبدالله اسدی
صفحه ۵

پاسخ به نامه های رسیده و آخرین اخبار پناهندگی صفحات پنجم و ششم

در اعتراض به سیاستهای پناهنده پذیری دولت سوئد قبل ناپدید گرفتن جنایات جمهوری اسلامی و غیر واقعی جلوه دادن اظهارات پناهجویان در خصوص حاکمیت اختناق در ایران پتیشن این پتیشن را امضا کنید
<http://hambastegi.ruzeroshan.com/petition/petit494.php?nr=53990289&lang=fa>

اطلاعیه در مورد تغییر دبیر فدراسیون در گوتنبرگ سوئد
صفحه ۴

به همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی بپیوندید!

گفتگوی نشریه همبستگی با عبدالله اسدی در مورد افزایش متقاضیان پناهنگی از ایران

در این گفتگو در مورد نکات مهمی از دلایل افزایش پناهنگی، نحوه خروج آنها از ایران، شرایط جدید پذیرش آنها در کشورهای غربی و اشکال مختلف مبارزه پناهجویان برای رسیدن به امنیت و آسایش تا اعلام پناهنگی مهدی رستم پور و نرگس کلهر از عبدالله اسدی سؤال کرده ایم. توجه پناهجویان و علاقمندان را به این گفتگو جلب می‌کنیم.

همبستگی: این روزها ما شاهد افزایش متقاضیان پناهنگی از ایران هستیم آیا روند افزایش خروج مردم از ایران واقعی است مشاهدات شما چیست؟ دلیل آن را چگونه توضیح می‌دهید؟

عبدالله اسدی: متقاضیان پناهنگی از ایران به نسبت قبل از 22 خرداد و اتفاقات پس از آن افزایش چشمگیری یافته است. دلیل آن هم روشن است؛ ناامنی و سرکوب سیاسی افزایش بیشتری یافته است. علیرغم گسترش مبارزات مردم برای نابودی کل نظام تعقیب و پیگرد قانونی، بساط شکنجه و ایجاد ترس و وحشت در میان مردم همیشه یک دلیل مهم متقاضیان پناهنگی از ایران بوده است. این دلایل امروز افزایش و شدت بیشتری پیدا کرده است. دلیل دیگر آن ناامنی اجتماعی است ناامنی اجتماعی پدیده عمومی تری است. بعضیها آینده ایران را تیره و تار و زندگی خود را در خطر می‌بینند. هیچکس دوست ندارد در ناامنی زندگی کند و یا نخواهد فرزند و یا بستگانش را از دست بدهد. مردم شنیدنا احساس نگرانی میکنند و به همین دلیل کسی که احساس ناامنی میکند تلاش می‌کند تمام نیرو و امکاناتش را به کار بگیرد تا خود و خانواده اش از آن شرایط نجات دهد. بیکاری و وضعیت بد اقتصادی و ورشکستگی مالی، محرومیت‌های اجتماعی و غیره هر کدام بر روند افزایش متقاضیان پناهنگی از ایران تأثیرات مستقیم می‌گذارد. دانشجویان مدام به کمپته های انضباطی احضار می‌شوند و برای آنها حکم محرومیت از ادامه تحصیل صادر می‌کنند.

این بحثها را در بسیاری از ایمیلها و تلفنهایی که بطور روزانه از ایران می‌گیرم به کرات می‌شنوم و می‌بینم. شمشاد خنتری 28 ساله در نامه اش نوشته است: "من عضو هیچ گروه و سازمانی نیستم ولی از این رژیم متنفرم. یک روز در مقابل محل کارم بدلیل پوشیدن مانتو کوتاه بازداشت

شدم و از من عکس و تعهد گرفتند و از خانواده ام خواستند برابم مانتو بلند بپارند. این مسئله واقعا روی من تأثیرات بدی گذاشت؛ به شخصیت توهین شد. من دختری ساده و تحصیل کرده هستم و آنها حق نداشتند اینطور با من برخورد کنند. شمشاد در ادامه نامه خود مینویسد می‌خواهم به کشوری پناهنده شوم و تا آخر عمرم مثل یک برده زندگی نکنم." این نمونه ها در مقیاس بسیار وسیعتری هر روز و هر ساعت از سوی مردم در ایران تکرار میشوند.

همبستگی: این روزها در اخبار آمده بود که مهدی رستم پور کارشناس کشتی ایران از کشور دانمارک تقاضای پناهنگی کرده است همچنین شاهد درخواست پناهنگی نرگس کلهر دختر مهدی کلهر از مشاوران احمدی نژاد به آلمان بودیم. درخواست پناهنگی این اشخاص با توجه به موقعیت شخصی و خانوادگیشان تأثیری بر روند پناهنگی ایرانیان خواهند گذاشت؟

عبدالله اسدی: مهدی رستم پور کارشناس و گزارشگر کشتی در صدا و سیما جمهوری اسلامی بود. وی به همراه تیمهای کشتی فرنگی و آزاد برای شرکت در مسابقات جهانی به دانمارک سفر کرده بود که از بازگشت به ایران امتناع کرد و از آن کشور تقاضای پناهنگی نمود.

نرگس کلهر فرزند یکی از مشاوران احمدی نژاد بود که با ساختن فیلمی با عنوان "دارخیش" در جشنواره فیلم حقوق بشر نورنبرگ آلمان شرکت نمود و پس از پایان جشنواره از آن کشور تقاضای پناهنگی کرد. اعلام پناهنگی این اشخاص در رسانه های داخلی و خارجی بازتاب گسترده ای داشت. هر چند مقامات جمهوری اسلامی ابتدا سعی کردند اخبار پناهنگی مهدی رستم پور را تکذیب کنند و به طرز تهدید آمیزی گفتند مادر و همسر وی در ایران زندگی می‌کنند و رسانه های بیگانه علیه نظام اسلامی فضا سازی میکنند و غیره. آقای مهدی کلهر نیز مجبور شد پناهنگی دخترش را امر شخصی وی اعلام کند امری که جمهوری اسلامی و امثال آقای کلهر 30 سال است از هیچ احدی نپذیرفته اند.

اینکه اعلام پناهنگی چنین افرادی بر روند پناهنگی ایرانیان تأثیرات مثبت خواهد گذاشت یا نه، سؤال مطرحی است. پاسخ من به این سؤال ساده است. اولاً تا آنجایی که به قوانین پناهنگی مصوب کنوانسیون 1951 بر می‌گردد این

قوانین از اول تا آخرش بر اساس ترس موجه فرد از مورد ظلم واقع شدن، تهیه و تنظیم شده است نه بر اساس ناامنی عمومی در هرکشوری. بنابراین اعلام پناهنگی هر فرد تابع ناامنی عمومی و سرکوب و اختناق سیاسی در هر کشور قرار نمی‌گیرد. فرد پناهجو باید نشان دهد که جان و زندگی اش در معرض خطر بوده است و برای اثبات آن دلایل کافی ارائه دهد. ولی اعلام پناهنگی افرادی مثل مهدی رستم پور و نرگس کلهر و فیلمی که در مورد شکنجه تهیه کرده است، میتواند در مقیاس عمومی تری دلایل پناهنگی ایرانیان را تقویت کند و افشاگر ماهیت ارتجاعی جمهوری اسلامی در کشورهای غربی باشد. ولی باید از آنها خواست که اگر واقعا با این همه جنایت و اعدام و شکنجه مخالفند و خود را در مبارزه مردم ایران شریک می‌دانند و طرفدار عدالت اجتماعی هستند اینجا دیگر سکوت نکنند.

به نظر من خشونت‌های پس از انتخابات علیه مردم، قلب هر انسان منصف و با وجدانی را جریحه دار کرد بطوری که حتی اگر کسی تا دیروز به نحوی به جمهوری اسلامی تلبستگی داشت، امروز دارد از آنها فاصله می‌گیرد و خود را در صف اعتراض مردم قرار می‌دهد. این روند، ساده به دست نیامده است حاصل مبارزه طولانی مردم برای عدالت اجتماعی است. حاصل نه مردم به تحمیل و دخالت مذهب در زندگی اجتماعی است. شکافی که از بالا ایجاد شده است از همین مبارزه منتج میشود. همه فهمیده اند زیر پای جمهوری اسلامی داغ شده است و نفرت عمومی مردم از این رژیم به آتشی زیر خاکستر برای نابودی کل نظام تبدیل گردیده است.

در طول همین دوماه گذشته ما شاهد موجی از تقاضاهای پناهنگی ایرانیان در کشورهای غربی بوده ایم. به نظر می‌رسد این روند همچنان ادامه خواهد یافت و ما شاهد اعلام پناهنگی و فرار کسانی خواهیم بود که تا بجل غیر قابل پیشبینی بوده است. دلیل آن نیز این است که جناح حاکم شمشیرش را از رو بسته است.

میزند، دستگیر میکند، اعتراف گیری میکند، درکوی دانشگاه و در کهریزک به روی مردم خون می‌پاشد و به زندانیان تجاوز جنسی میکند و از کشتار مردم گورهای بی‌نام و نشان می‌سازد. اینها همه دلایل خروج مردم از کشور

هستند.

احمدی نژاد و خامنه ای، محسنی اژه ای و شاهرودی، مسعود جزایری و محمد علی جعفری از فرماندهان سپاه جزء جنایتکاران تاریخ معاصر به حساب می‌آیند. اینها به خودی ترینهای خود مثل سعید حجاریان که طراح و بنیانگذار وزارت اطلاعات بود رحم نکرند چه رسد به کسانی که به جرم شرکت در تظاهرات تحت پیگرد قرار گرفته باشند.

همبستگی: شما بسیاری از دلایل افزایش پناهنگی را توضیح دادید. سؤالی که پیش می‌آید این است که کسانی که قصد اعلام پناهنگی دارند چگونه خود را به کشورهای اروپایی می‌رسانند؟

عبدالله اسدی: بسیاری از آنها به وسیله ویزا می‌آیند. سفارتخانه های غربی با شروع سرکوبها، بطور کم سابقه ای

درهای خود را بر روی متقاضیان باز و برای آنها ویزا صادر نمودند. روند صدور ویزاها همچنان ادامه دارد. این وضعیت، قیل از انتخابات و حتی در سالهای گذشته به این صورت سابقه نداشت.

همبستگی: گفتید که اکثر آنها از طریق ویزا و بطور قانونی می‌آیند. این ویزاها چگونه برای افراد صادر میگردد آیا تضمین مالی احتیاج ندارد و یا اینکه آنهایی که مثلا به قصد اعلام پناهنگی از ایران خارج میشوند در فرودگاهها مانعی برایشان ایجاد نمی‌شود و آیا به همراه داشتن ویزا مانعی در مقابل اعلام پناهنگی آنها نمیشود؟

عبدالله اسدی: تا آنجایی که به تضمین مالی و سپردن وثیقه به سفارتخانه ها برای صدور ویزا بر میگردد، قبل از آغاز خیزشهای مردمی در بیست و نوم خرداد، متقاضیان ویزا میبایست ضمانت مالی زیادی را بابت صدور ویزا به سفارتخانه ها میسپردند ولی امروز اکثر این ویزاها بدون وثیقه صادر میشود. اینکه در مرزها و فرودگاهها مانعی از طرف پلیس ایران برای آنها بوجود می‌آید یا نه بحث دیگری است. آنها جلو افرادی را که تحت تعقیب بوده باشند میگیرند ولی درصد این افراد تا کنون زیاد نبوده است و اینها نمیتوانند همه افراد تحت پیگرد را ممنوع الخروج نمایند بویژه در شرایط فعلی ایران که تعداد افراد تحت تعقیب ابعاد بسیار وسیعتری دارد. مطمئنا جلوی یک سری افراد شاخص را میگیرند و به آنها اجازه خروج نمیدهند برای نمونه همین چند روز پیش مانع خروج جعفر پناهی کارگردان سینما در ایران شدند و از سفر وی به فرانسه

جلوگیری کردند.

اینکه آیا به دارندگان ویزا، حق پناهنگی تعلق می‌گیرد یا نه سؤال مهمی است و جای بحث زیادی دارد. ما بارها گفته ایم که به همراه داشتن ویزا به خودی خود مانعی در راه اعلام پناهنگی کسی نخواهد بود. چه بسا برای بعضی از افراد ویزا صادر میکنند تا از کشور خارج شوند. بنابراین مانع اصلی این نیست که کسی که ویزا داشته باشد امکان اعلام پناهنگی

ندارد؛ مهم دلایلی است که هر کس بطور فردی در ادارات امور پناهنگی، کمیساریای عالی پناهنگان سازمان ملل و پستهای بازرسی پلیس و دانشگاههای مهاجرتی ارائه میدهد. همانطور که در ابتدای این سؤال اشاره کردم همه افراد تحت تعقیب، الزاما ممنوع الخروج نمیشوند بویژه در شرایط امروز ایران

کنترل و متوقف کردن افراد در همین ابعاد فعلی غیر ممکن است. بعلاوه متقاضیان پناهنگی از ایران اکثرا جوانان و مردم عادی جامعه هستند که به دلایل مختلفی که گفتم به قصد پناهنگی در بیرون از مرزهای ایران خارج می‌شوند. بنابراین این گروه از پناهجویان کسانی نیستند که رژیم بتواند به آنها به عنوان اعضای حرفه ای و تشکیلاتی احزاب و سازمانهای اپوزیسیون دهه هشتاد برخورد کند. دولت‌های غربی و وزارتخانه های آنها خود با فضای کنونی ایران آشنا هستند و میدانند که دلایل و فاکتورهای بشمارای وجود دارد که به روند افزایش پناهنگی ایرانیان کمک میکند.

مهم این است که شخص متقاضی پناهنگی داستان زندگی خود را چگونه تعریف کند و به چه شکلی اثبات نماید که دلایش ترس موجه بوده است. فعالین فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی با درد مردم ایران و دلایل متعدد سیاسی - اجتماعی و اقتصادی و هزار و یک درد دیگر آنان آشنا هستیم ولی برای کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل و وزارتخانه های کشورهای غربی همان دلایل کافی نیست و شما بعنوان متقاضی پناهنگی اهل ایران باید با دلایل و شواهد و مدارک کافی پا در این عرصه بگذارید. باید داستان زندگی خود را طوری تعریف کنید که برای کارمندان دولت در امور پناهندگان باور کردنی باشد.

من هنوز یک انسانم شعری از غاده السمان شاعری توانا از سوریه



اگر به خانه‌ی من آمدی
برایم مداد بیاور مداد سیاه
می‌خواهم روی چهره‌ام خط بکشم
تا به جرم زیبایی در قفس نیفتم
یک ضربدر هم روی قلبم تا به هوس
هم نیفتم!
یک مداد پاک کن بده برای محو
لبها

می‌خواهم کسی به هوای سرخیشان،
سیاهم کند!
یک بیلیجه، تا تمام غرایز زنانه را از
ریشه در آورم
شخم بزنم وجودم را ... بدون این‌ها
راحتتر به بهشت می‌روم گویا!
یک تیغ بده، موهایم را از ته بتراشم،
سرم هوایی بخورد
و بی‌واسطه روسری کمی ببانندیشم!
نخ و سوزن هم بده، برای زبانم
می‌خواهم ... بنوزمش به سق
... اینگونه فریادم بی صداتر است!
قیچی بابت نرود،
می‌خواهم هر روز اندیشه‌هایم را
سانسور کنم!
پودر رختشویی هم لازم دارم
برای شستنوی مغزی!
مغزم را که شستم، پهن کم روی بند
تا آرمان‌هایم را باد با خود ببرد به
آنجایی که عرب نی انداخت.
می‌دانی که؟ باید واقع‌بین بود!
صداخفه کن هم اگر گیر آوردی
بگیر!
می‌خواهم وقتی به جرم عشق و
انتخاب،
برچسب فلحشه می‌زنندم
بغضم را در گلو خفه کنم!
یک کپی از هویتم را هم
می‌خواهم
برای وقتی که خواهران و
برادران دینی به قصد ارشاد،
فحش و تحقیر تقدیم می‌کنند،
به یاد بیاورم که کیستم!
ترا به خدا ... اگر جایی نبیدی
حق می‌فروختند
برایم بخر ... تا در غذا بریزم
ترجیح می‌دهم خودم قبل از
دیگران حقم را بخورم!
سر آخر اگر پولی برایت ماند
برایم یک پلاکارد بخر به شکل
گردنبند،
بیاویزم به گردنم ... و رویش با
حروف درشت بنویسم:
من یک انسانم
من هنوز یک انسانم
من هر روز یک انسانم!

در کنفرانس سالیانه فراسیون در استکهلم شرکت کنید

فراسیون سراسری پناهندگان ایرانی واحد
استکهلم کنفرانس سالیانه خود را برگزار میکند.

زمان: یکشنبه 25 اکتبر از ساعت 12:30 تا 30
16:

مکان: Kista Träff Kista Torg 7

ورود برای همه علاقمندان آزاد است

در این کنفرانس ابتدا گزارشی از فعالیتهای

فراسیون واحد استکهلم به جلسه ارائه خواهد شد.

سپس به معرفی پلاتفرم و چگونگی فعالیت دور

آتی، اوضاع کنونی ایران و موقعیت جدید

پناهجویان ایرانی پرداخته می‌شود. بحثها و

گزارشات فوق توسط عبدالله اسدی و رحیم

یزدانپرست به کنفرانس ارائه خواهد شد.

بخش پایانی کنفرانس نیز انتخابات برای رهبری

فراسیون واحد استکهلم خواهد بود.

ما همه پناهجویان، علاقمندان و مدافعین حقوق

پناهندگی را به شرکت در این کنفرانس دعوت می
کنیم.

همبستگی، فراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

واحد استکهلم

تلفنهای تماس:

رحیم یزدانپرست

0707175542

سارا نخعی - 073-

63 96379

اندیشه علی شاهی

070-672 05 25



همبستگی: به نظر شما پناهجویان
جدا از ارائه دلایل شخصی در خارج
از مرزهای ایران چکار باید بکنند و
چه اقداماتی باید بکنند؟

عبدالله اسدی: مبارزه متشکل
پناهجویان در خارج از مرزهای
ایران برای دسترسی به حقوق
پناهندگی خود مهم و تعیین کننده
است. پناهجویان بویژه در این زمان
باید برای به دست آوردن حقوق
انسانی خود بجنگند. باید شرایط سخت
زندگی در ایران و عوامل آنرا بخوبی
توضیح دهند. باید مقابل پارلمانهای
اروپایی، ادارات امور پناهندگی و
خیابانهای مرکزی هر کشور را به
میدان اعتراض عمومی خود بر علیه
سرکوب و اختناق، بر علیه قوانین
ارتجاعی جمهوری اسلامی و بر علیه
نقض حقوق بشر و در دفاع از
خواست حق پناهندگی خود تبدیل
نمایند. پناهجویان باید دارای سازمانی
برای مبارزه خود باشند و در آن به
طور متشکل مبارزه کنند. فراسیون
سراسری پناهندگان ایرانی مناسبترین
ظرف پیشبرد این مبارزه و چراغ
راهنمای آنها برای ورود به جامعه و
محیط جدید زندگی است. پناهجویان
باید رابطه‌های سیاسی و دیپلماتیک
دولتهای اروپایی با جمهوری
اسلامی را محکوم کنند و خواستار
انزوای سیاسی و اخراج آنها از
سازمانها و نهادهای بین المللی شوند.
باید به دولتهای اروپایی اعلام کنند که
تازمانی که جمهوری اسلامی هست،
تازمانی که بساط شکنجه و زندان
هست، تازمانی که آپارتاید جنسی در
مورد زنان برقرار است و تازمانی
که حمایت دولتهای اروپایی از
جمهوری اسلامی ادامه دارد مناقضی
پناهندگی از ایران هم هست. همه
پناهجویان را به مبارزه متشکل و
سازمان یافته دعوت می‌کنم.

19 اکتبر 2009

مسئولیت بخش ترکیه و کشورهای هم مرز با ایران را در
فراسیون سراسری پناهندگان ایرانی مراد شیخی بعهده
دارد.

در مورد مسائل پناهندگی مربوط به ترکیه می‌توانید از
طریق شماره تلفن و ایمیل آدرس زیر با مراد شیخی تماس
بگیرید.

muradsheixi@yahoo.com

00 45 27 24 68 45

از سایت
همبستگی- فراسیون سراسری پناهندگان ایرانی
دیدن کنید!

www.hambastegi.org

قدرت و پیروزی ما،
در گرو اتحاد ماست!

اطلاعی در مورد تغییر دبیر فدراسیون در گوتنبرگ سوئد

به اطلاع میرسانیم که بنیال گذشت دو ماه از برگزاری کنفرانس سالیانه فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی واحد گوتنبرگ، آریان ناظری دبیر منتخب هیأت مدیره این کنفرانس در نشست روز سه شنبه 29 اکتبر به دلیل موقعیت جدید شغلی اش خواهان انتخاب فرد دیگری به جای خود شد.

لازم به توضیح است که آریان ناظری از ماه ژانویه 2006 تاکنون دبیری فدراسیون در شهر گوتنبرگ را بعهده داشته است.

فدراسیون به آریان ناظری عزیز خسته نشاید میگوید و برای وی آرزوی تندرستی و موفقیت میکند. واضح است که هیأت مدیره فدراسیون در گوتنبرگ از تجربیات خوب آریان عزیز در رهبری فدراسیون این شهر، استفاده خواهد کرد.

لازم به ذکر است که در نشست اخیر مسئولین برای دبیری فدراسیون در گوتنبرگ تنها کاندید این پست بهزاد جوادیان بود که به اتفاق آراء بعنوان دبیر جدید فدراسیون در این شهر انتخاب گردید. هیأت مدیره فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در گوتنبرگ برای بهزاد جوادیان عزیز در سمت جدیدش آرزوی موفقیت می کند.

همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی واحد گوتنبرگ 12 اکتبر 2009

ادامه از صفحه اول

جمهوری اسلامی . حکومتی که زن در آن هیچ ارزشی ندارد

و بزرگ شده در يك محیط فلاکت بار فقط باید نفس بکشد و زندگی کردن برای او ممنوع است در این بین باردار هم میشود. در این لحظات آدم حس سوگانه ای دارد از يك طرف خوشحال است که از تنهایی به در آمده و هم صحبتی پیدا

و حس می کند می تواند محبت دریغ شده از خودش را نثار دیگری کند، از طرف دیگر تاریکی را می بیند که تمامی ندارد و هیچ نور امیدی برای خودش و فرزندش نمی بیند. کاش بچه دار نشده بودم. شاید در تمام این تاریکیها اندک محبت مادر که خود مصیبت زده است کورسوی امیدی است یا پافشاری خودم به ادامه تحصیل با مشکلات فراوان در يك مدرسه شبانه بعد از کار سخت و مطالعه، که همه اینها از دید دیگران میبایست پنهان بماند. این بار اقبال کمی با من یار می گردد و به خاطر مسایلی که شوهرم به وجود می آورد خانواده باجدایی ما موافقت می کند. بعد از جدایی کم کم دچار تحول فکری می گردم و با مردی آشنا می شوم که آن را تسریع می کند. روابط ما بسیار مخفیانه است و بسیار خطرناک ولی تاریکی کم رنگ تر می شود. مطالعه و اندیشه را ادامه میدهم و زندگی رنگ می گیرد که ناگهان مسائل به گونه ای عجیب دگرگون میشود. پدر و برادرم از رابطه من با دوست جدید آگاه می شوند و کمر به قتل هر دو می بندند و من مجبورم با فرزندم از ایران فرار کنم. در غربت اگر چه دیگر خانواده و محیط و جامعه و حکومت رنگ می بازد ولی مشکلات زندگی در غربت خونمیلی میکند ولی زندگی دوباره رنگ می گیرد اگر چه تلنگر ایران می شوم نه برای خانواده که برای دوستم که زندگی را با وی لمس کرده ام ولی به امید دیدارش می نشینم.

وقتی در دوران کودکی مجبور به ازواج شدم خانواده را مقصر می دانستم که عروسک و بازی و مدرسه را از من گرفتند و مرا به دیو غول پیکر سپردند تا هر چه می خواهد انجام دهد. بعد از گذشت سالیان تاریخ فهمیدم در جامعه ای که من زندگی می کنم این مسائل عادی است زندگی اینجا این است، پدر حکومت می کند مادر فرمان می برد و بچه ها هم باید فرمان بردار باشند و شرایط به همین منوال قربانی می گیرد قربانیانی مانند من و خواهراتم و دوستم و این دشمن و این ویروس همین طور از نسلی به نسل دیگر بیماری می زاید و همه را آلوده می کند این دشمنی که

تاریکی می آفریند و برای مبارزه با وی کسی یا چیزی یا نیرویی نیست تا آنرا بزدايد.

خوشبختانه این نیرو در اعماق جمعه ایران برخاسته است و میروند تا دست اسلام و حکومت اسلامی را برای همیشه از زندگی مردم کوتاه کند.

با مرور زمان متوجه شدم این تاریکی که بر فکر و زندگی ما چیره گشته سرچشمه ای به جز جهل و عدم آگاهی ندارد به همین علت سعی نمودم تا با تمامی مشکلات تحصیل و مطالعه را رها ننمایم تا بتوانم از این تاریکی که تا مغز استخوان نفوذ نموده رهایی یابم .

ولی از هر طرف جهل ترویج می شد از خانواده، از کلتونهای مذهبی، از رسانه های دولتی، از مدرسه و.... همه جا جهل بود که حکمفرمایی می کرد و اگر به سوی علم و آزادی حرکت می کردی در کانون خانواده سرزنش می شدی، در کانون مدرسه طرد و در جامعه توسط حکومت مجازات مجازاتی که گاه بزرگترین نویسندگان و روشنفکران این جامعه را که در طول تاریخ نیروی محرک تمدن بشری بوده اند را به پای چوبه دار می برد .

به مرور من در می یافتم که اساس این جهل نهفته در اعتقادات مذهبی و اسلامی است که مانند سنگ در افکار این مردم محکم شده و حکومتی که مانند ابتدای پیدایش این مذهب می خواهد با شمشیر آنان را به اجرا درآورد. مذهبی که خون ریختن در آن اساس دین است. مذهبی که زن ارزشی ندارد. برده داری در آن يك مسئله عادی است. اعدام و قصاص حق محسوب می شود و نکوهیده نیست و این دستورات همگی از طرف خدای این مذهب آمده و به زعم گروهی حتی با ابزار قدرت باید آنها را در جامعه اعمال کرد تا این خدا راضی شود. خدایی که دستور می دهد و زندگی را می گیرد و در این بین آزادی قربانی. و در طول تاریخ این خدا آرامش را از بشریت گرفته است، و در این میان زندگی را از من. ولی الان به او میگویم تو حق نداری تو به هیچ روی حق نداری حتی اگر خدایی زندگی را از من بگیری .

نهایت فاجعه اینجاست که این خدا نماینده ای هم بر روی زمین بیابد همچون جمهوری اسلامی . اینجاست که اگر بشریت امروز به دنبال نینایی بهتر برای همه است باید به خود تکلیف بدهد و از دستاوردهایش به نحو شایسته مراقبت کند که این حکومت اسلامی برای خشنودی خدایش حاضر است دنبیلی را به آتش بکشد.

حکومتی که می خواهد این قوانین را بر جامعه جهانی اعمال کند نه بر ایران تنها.... نتیجه چه می شود؟؟

اعدام، شلاق، سنگسار، سانسور، وحشت،

تا در این چنین جامعه ای زندگی نکند نمی توانی جو حاکم بر آن را درک کنی و تا چنین حکومتی از تو همه چیز را، زندگی را، مدنیت را، انسانیت را بگیرد و تو را به پائین ترین درجه نزل ندهد نمی توانی عمق فاجعه را دریابی و مسائل را درک کنی.

آری، اگرچه من در تمام این سالها سعی نمودم تا خود را از این تاریکی برهانم ولی با تمام نرات بنم آن را لمس نمودم ولی هستند هزارانی مانند من که قربانی این عقاید اسلامی تاریک شده اند عقایدی که تاریکی جهل را بر مرمان مستولی می کنند و حکومتی که این عقاید اسلامی را با زور سرنیزه و شمشیر ترویج می کند.

امیدوارم این مقاله مجالی باشد برای همه اعم از ایرانی و غیر ایرانی، برای همه که اندکی بیاندیشند به آنچه وقوع یافته و یا ممکن است به وقوع بپیوندد و با تساهل و تسامح از کنار آن نگذرند که زمانی که نوبت به آنها رسد دیگر پشیمانی سودی ندارد و ایرانیان را در یگانه راه نجات که آن آزادی بدون قید و شرط و بدون پیشوند و پسوند است یاری دهند

ادامه از صفحه اول

اطلاعی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی واحد گوتنبرگ در خصوص راهپیمایی 20 نوامبر در نفاق از حقوق پناهندگان

روند رفتار و سیاستهای دولتهای غربی بویژه سوئد بیش از پیش به

سمت بی حقوقی پناهندگان کشورهای اختناق زده پیش می رود و متأسفانه همه تجاوزات و تعرضاتی که به حقوق انسانی مردم خصوصاً در جمهوری اسلامی اعمال می شود نادیده گرفته شده است .

از طرفی پناهجویان روزبروز حقوق انسانی و اجتماعی خود را در اثر این سیاست محدود کننده از دست داده و در سخت ترین شرایط زندگی را سر می کنند.

بر همین اساس فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی از همه پناهجویان و مدافعین حقوق پناهندگی و بشر دوستان دعوت می کند که برای نفاق از حقوق انسانی پناهجویان در تظاهرات و راهپیمایی که به این منظور برگزار می شود شرکت نمایند و با این تجمع و تشکل سیاسی و اجتماعی صدای اعتراض خود را به گوش دولت و اداره مهاجرت و همچنین به اطلاع مردم انساندوست سوئد برسانند.

زمان : 20 نوامبر 2009 ساعت 16

مکان: تجمع در میدان گوستاو آدلف و حرکت به

سوی storateater فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی واحد گوتنبرگ تلفنهای تماس:

بهزاد جوادیان 0700626454
داریوش شاهماری 0704738113

ادامه از صفحه اول

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی .کلکسیون درخشان در برابر قوانین ضد پناهنده!

تاریخ انسانی به ثبت رسیده است .

این پرونده بزرگ و درخشان شامل سالها مبارزه و تلاش و نجات انسانها از خطر مرگ و اعدام و سنگسار است که محوریت آن را انسان و انسانیت و کمک به انسانها نمایان ساخته است .



مسئولیت مقالات با نویسندگان آنهاست.
درج مقالات در همبستگی لزوماً به معنی تأیید
مضمون آنها از جانب نشریه نیست.

ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، کشوری امن
نیست!

هیچ پناهجوی ایرانی نباید به جمهوری اسلامی دیپورت شود!

آخرین اخبار پناهنگی اعلام پناهنگی مهدی رستم پور از کارشناسان کشتی و عضو کمیته رسانه فدراسیون کشتی در کشور آلمان و مصاحبه با رادیو فردا

بنا به اظهارات مهدی رستم پور کارشناس کشتی و عضو کمیته رسانه فدراسیون کشتی جمهوری اسلامی ایران وی تصمیم گرفت که پس از پایان مسابقات کشتی قهرمانی جهان در دانمارک اعلام پناهنگی نماید. سخنان بیشتر از مهدی رستم پور و دلایل پناهنگی را در لینک رادیو فردا بشنوید.

<http://www.radiofarda.com/audiodownload/program/106330.html>

تقاضای پناهنگی نرگس کلهر، دختر مشاور احمدی‌نژاد از آلمان

دختر یکی از مشاوران محمود احمدی‌نژاد که برای شرکت در جشنواره فیلم نورنبرگ به آلمان رفته بود، از این کشور درخواست پناهنگی کرده است. به دنبال انتشار گزارش‌هایی در باره درخواست پناهنگی نرگس کلهر از آلمان، مهدی کلهر مشاور محمود احمدی‌نژاد در گفت و گو با خبرگزاری مهر این خبر را تایید کرده است. نرگس کلهر دختر ۲۵ ساله مهدی کلهر که با ساخت فیلمی با نام «دارخیش» در باره شکنجه در جشنواره فیلم حقوق بشر نورنبرگ شرکت کرده بود، پس از پایان این جشنواره از دولت آلمان تقاضای پناهنگی سیاسی کرده است.

مشاور رسانه‌ای احمدی‌نژاد با این ادعا که از طریق رسانه‌ها در جریان سفر دخترش به آلمان قرار

فاصله‌ها را چگونه پیدا نمودید؟ - اسم قاچاقچی شما چی بود؟ - آیا از ایران تا اینجا همان قاچاقچی را همراه داشتی؟ - چند روز طول کشید تا به این کشور رسیدید؟ - از طریق چه مرزهایی؟

-ایمدارکی، مثل پاسپورت، کارت شناسایی، گواهی نامه و غیره به همراه دارید؟ توجه داشته باشید مدارک نامبرده برای آنها بسیار مهم است.

-اسناد دیگری که نشان دهد موقعیت شما به خطر افتاده است، با خود دارید؟

-آیا تاکنون فرد و یا افرادی از خانواده شما زندانی، فراری، اعدام و یا تحت تعقیب و پیگرد قانونی قرار گرفته است؟

-اگر چنین بوده به طور مشخص اسم و چگونگی و تاریخ آن را بیان کنید؟ مثلاً در چه تاریخی؟ - به چه جرمی؟

-چرا فعالیت سازمانی شما لو رفته بود؟ چه مدارکی از شما گرفته بودند؟

-شکل فعالیت سیاسی و سازمانی شما چگونه بود؟ علنی، نیمه علنی و یا کاملاً مخفی بود؟ - با چه سازمانی فعالیت می کردید؟ - تاریخ آشنایی و شروع فعالیت شما

با این سازمان؟ - آشنایی از چه طریق روزنامه، نشریه، رادیو، سایت‌های اینترنتی و یا شاخص و عناصر فعال سازمان مربوطه

کدام یک؟ - با چه پاسپورتی آمدید؟ پاسپورت شما چه رنگی بود؟ - آیا می دانید پاسپورتی که شما با آن آمده اید مربوط به کدام کشور بود؟

-حال روحی شما چگونه است؟ -مذهب شما چیست؟

-گفتید از طریق همسران تهدید به مرگ شده اید چرا؟ - بجرم رابطه خارج از ازواج- با چه کسی؟ اسم شخص؟ - اسم و آدرس شخصی که با شما رابطه داشته

است؟ - در صورت امکان سن و سال وی را بیان کنید؟- تاریخ شروع و آشنایی با وی؟ اکنون از وی خبر دارید؟

-آیا تهدید شدید؟ به وسیله چه کسی؟ چگونه این تهدید صورت گرفت چاقو، اسلحه و یا از طریق دیگری؟ - چگونه از دستشان فرار کردید؟ شب بود یا روز؟ بعداً به کجا رفتید؟ چگونه از زندان آزاد شدید یا قید ضمانت پول نقدی، وثیقه و یا اینکه حکم زندانتان تمام شده بود؟

ادامه دارد.....

مصادره اموال و مانند آنها را توضیح دهید. آیا به غیر از فعالیت سیاسی به دلایل دیگری همچون باور مذهبی، نژاد، جنسیت یا متعلق بودن به یک گروه اقلیت، تحت تعقیب و آزار قرار گرفته اید؟ در دوره های متفاوت چگونه تحت تعقیب، آزار و شکنجه قرار گرفته اید؟ اینها را با دقت و بدون تناقض توضیح دهید. سعی کنید در مقابل پرسشهای پلیس و کارمندان دولت داستان سرای نکنید از آنجایی که گفته های شما ثبت می شود و به پرونده چند صفحه ای تبدیل میشود

سعی کنید به پرسشهای آنها پاسخ گویا و کوتاه بدهید تا هنگام بررسی پرونده های گفته های شما معلوم و قابل فهم باشد.

سابقه فعالیت سیاسی خود و خانواده؟ - چطور شد که موقعیت شما به خطر افتاد؟

سابقه دستگیری و زندان، چند مورد و در چه تاریخی؟

چه مدت زندانی بودید(چند ماه و یا چند سال)؟ - در کدام زندان؟ - زندانی که شما در آن بسر می بردی در کجا قرار گرفته است؟ - چند نفر زندانی در آن وجود داشت؟

-شکل داخل و بیرون زندان چگونه است؟

نحوه دستگیری مثلاً برای شما نامه فرستاده بودند، در محل کار دستگیر شدید و یا در منزل؟ - در چه ساعتی از شب و یا روز؟ - مأمورینی که شما را دستگیر و یا جلب کردند چند نفر بودند؟

به وسیله چه نیرویی دستگیر شدید؟ نیروی انتظامی، امر به معروف و نهی از منکر، مفسد اجتماعی و یا لباس شخصی ها؟!!

توجه داشته باشید هر کدام از آن نیروها برای وظایف و مأموریت‌های مشخصی ساخته شده اند. برای نمونه شما نمی توانید بگویند مأموران امر به معروف من را به جرم فعالیت سیاسی دستگیر کرده اند.

-آیا اشخاص دیگری نیز در ارتباط با شما دستگیر شدند، اگر ممکن است نام ببرید؟

-آیا هنگام تفتیش منزل شما، مأمورین اسنادی و یا چیز دیگری که جرم شما را اثبات کند پیدا نمودند؟

نحوه فرارتان از ایران به چه صورت بود؟ - با چه وسیله ای و از چه طریقی فرار کردید؟ -

به همبستگی -

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی کمک مالی کنید

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی کمک مالی کنید

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی کمک مالی کنید

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی کمک مالی کنید

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی کمک مالی کنید

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی کمک مالی کنید

پاسخ دهید. این پرسشها درباره گذشته شما، خانواده و نزدیکان است. فراموش نکنید که پاسخ دادن به همه آنچه که در تصمیم گرفتن نهایی وزارتخانه اهمیت دارد بسیار مهم است. از این رو اجازه ندهید چیزی فراموش شود یا ناکفته بماند.

در زیر شماری از پرسشهایی را که کارمندان دولت از شما میکنند، آورده ایم تا با آنها بیشتر آشنا شوید. شماره بندی و پس و پیش بودن آنها در درجه اول اهمیت نیست. آنچه که شما باید به آن دقت کنید این است که داستان زندگی خود را آنگونه که لازم است توضیح دهید و بهم وصل کنید. تلاش کنید که آنچه را که تعریف میکنید از روی نظم و ترتیب زمانی باشد تا برای شنونده و خواننده گیج کننده نشود.

هر چه شما پراکنده و بدون ترتیب دلایل خود را بازگو کنید امکان بوجود آمدن سوءتفاهم برای وزارتخانه ها و مقامات امور پناهنگی زیاد خواهد شد؛

و در نهایت شما هستید که شاید پاسخ منفی دریافت کنید و مجبور به ترک کشور شوید. شما باید برای کسب حق پناهنگی در کشورهای پناهنده پذیر قبل از معرفی خود روی سئوالهای زیر کار کرده باشید. این اصلی ترین سئوالاتی است که از شما به عنوان پناهنده در دانشگاهها، اداره مهاجرت، و یا پلیس های مرزی و کمیساریایی عالی پناهندگان سازمان ملل پرسیده میشود.

چرا کشور خود را ترک کردید؟ - چگونه به این کشور رسیدید، از چه راهی؟

چه وقت به اینجا رسیدید؟ - از چه طریقی؟

نام و نام خانوادگی؟ - تاریخ تولد؟ - اسم پدر و مادر و شغل آنها؟

کجا و در کدام شهر زندگی میکردید؟ - آدرس محل زندگی؟

پدر و مادر شما کجا زندگی میکنند؟ - شغل و نحوه امرار معاش آنها؟

شغل خود و تخصص های حرفه ای؟ - میزان تحصیلات؟

در کدام مدرسه درس خوانده اید، اسم و محل مدرسی که در آنها تحصیل کرده اید نام ببرید؟

-آیا ازواج کرده اید؟ - نام همسر شما چیست؟ - شغل و نحوه امرار معاش ایشان و تعداد فرزندان؟

موقعیت امنیتی همسر شما چگونه است، آیا وضعیت وی هم در خطر است؟

تعداد فرزندان؟ - تعداد برادر و خواهر چطور؟ - چکار میکنند؟- سن ایشان(فرزندان، خواهر و برادر)

با دقت هر بلایی که به سر شما و خانواده شما در رابطه با فعالیت سیاسی آمده است از جمله تعقیب، بازداشت، آزاد شدن از زندان، شکنجه، تفتیش و خانه گردی،

پاسخ دهید. این پرسشها درباره گذشته شما، خانواده و نزدیکان است. فراموش نکنید که پاسخ دادن به همه آنچه که در تصمیم گرفتن نهایی وزارتخانه اهمیت دارد بسیار مهم است. از این رو اجازه ندهید چیزی فراموش شود یا ناکفته بماند.

در زیر شماری از پرسشهایی را که کارمندان دولت از شما میکنند، آورده ایم تا با آنها بیشتر آشنا شوید. شماره بندی و پس و پیش بودن آنها در درجه اول اهمیت نیست. آنچه که شما باید به آن دقت کنید این است که داستان زندگی خود را آنگونه که لازم است توضیح دهید و بهم وصل کنید. تلاش کنید که آنچه را که تعریف میکنید از روی نظم و ترتیب زمانی باشد تا برای شنونده و خواننده گیج کننده نشود.

هر چه شما پراکنده و بدون ترتیب دلایل خود را بازگو کنید امکان بوجود آمدن سوءتفاهم برای وزارتخانه ها و مقامات امور پناهنگی زیاد خواهد شد؛

و در نهایت شما هستید که شاید پاسخ منفی دریافت کنید و مجبور به ترک کشور شوید. شما باید برای کسب حق پناهنگی در کشورهای پناهنده پذیر قبل از معرفی خود روی سئوالهای زیر کار کرده باشید. این اصلی ترین سئوالاتی است که از شما به عنوان پناهنده در دانشگاهها، اداره مهاجرت، و یا پلیس های مرزی و کمیساریایی عالی پناهندگان سازمان ملل پرسیده میشود.

فدراسیون ظرفیست برای اتحاد و مبارزه در برابر قوانینی که هر روز سخت و سخت تر در برابر پای انسانهای گریخته از جوامع خفقان زده و دیکتاتوری . به جرات میتوان گفت اگر شکل و ایده تشکیل فدراسیون نبود اگر فعالین خستگی ناپذیر فدراسیون نبودند معلوم نبود چه آینده تار و وحشتناکی در کمین پناهجویان نشسته بود. معلوم نبود که سرنوشت هزاران انسانی که توسط فدراسیون و با کمپین های فدراسیون از شرایط دشوار کمپ های ترکیه و استرالیا نجات یافته اند امروز چه بود.

و اما امروز بیش از پیش کشور های پناهنده پذیر با اجرای قوانین تبعیض آمیز خود در تلاش برای ساختن دیواری بلند در برابر انسانهایی کرده اند که فقط برای نجات جان خود و فرزندان شان از کشور های خود میگریزند .

تنهاراه حل برای ایستادگی در برابر این سیاستها تشکل است . تجربه بارها نشان داده است که اعتراضات فردی هیچ گاه راه به جایی نبرده است . تنهاراه مبارزه و نجات پناهجویان از این وضعیت اسفبار تنها و تنها مشکل شدن در صف فدراسیو است . برای

استان در برابر این قوانین نابرابر و ضد پناهنده باید به صف فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی پیوست.

زنده باد انسانیت

زنده باد فدراسیون

اطلاعاتی مهم در مورد شرایط پناهنگی و درخواست و اعلام پناهنگی

اشخاصی که از کشورهای اروپای درخواست پناهنگی می کنند لازم است ابتدا با روش پرسش و پاسخ کارمندان دولت آشنایی پیدا کنند و خود را برای پاسخگویی به سئولات آنها آماده کنند. زمانی که شما درخواست پناهنگی میکنید می بایست به شماری از پرسشهایی که کارمندان دولت از شما میکنند،

اشخاصی که از کشورهای اروپای درخواست پناهنگی می کنند لازم است ابتدا با روش پرسش و پاسخ کارمندان دولت آشنایی پیدا کنند و خود را برای پاسخگویی به سئولات آنها آماده کنند. زمانی که شما درخواست پناهنگی میکنید می بایست به شماری از پرسشهایی که کارمندان دولت از شما میکنند،

اشخاصی که از کشورهای اروپای درخواست پناهنگی می کنند لازم است ابتدا با روش پرسش و پاسخ کارمندان دولت آشنایی پیدا کنند و خود را برای پاسخگویی به سئولات آنها آماده کنند. زمانی که شما درخواست پناهنگی میکنید می بایست به شماری از پرسشهایی که کارمندان دولت از شما میکنند،

اشخاصی که از کشورهای اروپای درخواست پناهنگی می کنند لازم است ابتدا با روش پرسش و پاسخ کارمندان دولت آشنایی پیدا کنند و خود را برای پاسخگویی به سئولات آنها آماده کنند. زمانی که شما درخواست پناهنگی میکنید می بایست به شماری از پرسشهایی که کارمندان دولت از شما میکنند،

اشخاصی که از کشورهای اروپای درخواست پناهنگی می کنند لازم است ابتدا با روش پرسش و پاسخ کارمندان دولت آشنایی پیدا کنند و خود را برای پاسخگویی به سئولات آنها آماده کنند. زمانی که شما درخواست پناهنگی میکنید می بایست به شماری از پرسشهایی که کارمندان دولت از شما میکنند،

اشخاصی که از کشورهای اروپای درخواست پناهنگی می کنند لازم است ابتدا با روش پرسش و پاسخ کارمندان دولت آشنایی پیدا کنند و خود را برای پاسخگویی به سئولات آنها آماده کنند. زمانی که شما درخواست پناهنگی میکنید می بایست به شماری از پرسشهایی که کارمندان دولت از شما میکنند،

اشخاصی که از کشورهای اروپای درخواست پناهنگی می کنند لازم است ابتدا با روش پرسش و پاسخ کارمندان دولت آشنایی پیدا کنند و خود را برای پاسخگویی به سئولات آنها آماده کنند. زمانی که شما درخواست پناهنگی میکنید می بایست به شماری از پرسشهایی که کارمندان دولت از شما میکنند،

اشخاصی که از کشورهای اروپای درخواست پناهنگی می کنند لازم است ابتدا با روش پرسش و پاسخ کارمندان دولت آشنایی پیدا کنند و خود را برای پاسخگویی به سئولات آنها آماده کنند. زمانی که شما درخواست پناهنگی میکنید می بایست به شماری از پرسشهایی که کارمندان دولت از شما میکنند،

اشخاصی که از کشورهای اروپای درخواست پناهنگی می کنند لازم است ابتدا با روش پرسش و پاسخ کارمندان دولت آشنایی پیدا کنند و خود را برای پاسخگویی به سئولات آنها آماده کنند. زمانی که شما درخواست پناهنگی میکنید می بایست به شماری از پرسشهایی که کارمندان دولت از شما میکنند،

اشخاصی که از کشورهای اروپای درخواست پناهنگی می کنند لازم است ابتدا با روش پرسش و پاسخ کارمندان دولت آشنایی پیدا کنند و خود را برای پاسخگویی به سئولات آنها آماده کنند. زمانی که شما درخواست پناهنگی میکنید می بایست به شماری از پرسشهایی که کارمندان دولت از شما میکنند،

اشخاصی که از کشورهای اروپای درخواست پناهنگی می کنند لازم است ابتدا با روش پرسش و پاسخ کارمندان دولت آشنایی پیدا کنند و خود را برای پاسخگویی به سئولات آنها آماده کنند. زمانی که شما درخواست پناهنگی میکنید می بایست به شماری از پرسشهایی که کارمندان دولت از شما میکنند،

اشخاصی که از کشورهای اروپای درخواست پناهنگی می کنند لازم است ابتدا با روش پرسش و پاسخ کارمندان دولت آشنایی پیدا کنند و خود را برای پاسخگویی به سئولات آنها آماده کنند. زمانی که شما درخواست پناهنگی میکنید می بایست به شماری از پرسشهایی که کارمندان دولت از شما میکنند،

همبستگی
را تکثیر
و
پخش
کنید

اداره خارجیان نروژ به شما چه بوده است؛ نمیتوانم در جزئیات بیشتری شما را راهنمایی کنم. ولی نباید روحیه خود را از دست بدهید. سعی کنید با فدارسیون سراسری پناهندگان ایرانی در تماس باشید. تا خود را تنها احساس نکنید. طبق اطلاعاتی که من دارم در همین نروژ و سوئد هزاران پناهجو در موقعیتی به مراتب بسیار دشوارتر زندگی میکنند.

ای کاش میتوانستید در همان کمپ و دیگر کمپهای پناهندگی پناهجویان را به اعتراض به وضع موجود در نروژ دعوت میکردید و مبارزه ای متشکل را آغاز می کردید. سعی کنید ما را از وضعیت خود با خبر کنید.

برای اینده خوبی آرزو میکنم
عبدالله اسدی

25 سپتامبر 2009

شماره بیست و دوم نشریه همبستگی جمعه سی ام اکتبر چاپ میشود

از سایت اینترنتی همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی دیدن کنید
www.hambastegi.org

نشریه همبستگی، هر دو هفته یکبار منتشر می شود! همبستگی را تکثیر و پخش نمایید!

سرمدبیر:
بابک شدیدی
* * * * *
ایمیل آدرس:
babakshadidi77@yahoo.se

تلفن:
+46 733 684 151

آدرس پستی:

Hambastegi
BM Box 1919,
London,
WC1N 3XX
UK

www.hambastegi.org

نتیجه اگر این اتفاق بیفتد و تا اون موقع دولت ایران پناهنده ها رو که تا حالا نمینویرد ببینره، به اجبار منو به ایران بر میگرونند که به همون سرنوشت شومی که از اون گریختم دچار میشم یعنی مرگ. اگر هم به ایران بر نگرودند، اوره کشور های دیگه میشم که با توجه به اینکه توی این مدت سر کار نبودم و فقط پول قضایی که بهمون میدادم رو با گرسنگی دادن به خوردم جمع کردم، عاقبت دچار خطر ت بی شماری خواهم شد. دنیای نیست که به به دختر رحم و مروت داشته باشه. و حالا از ترس گرگهای در کمین آمهایی با شرایط من و یا بد تر از اونها رژیم ایرانو بازگشت، کاملاً در موندن از نفس افتاده ام. توی این مدت خیلی تلاش کردم و به هر دری زدم، اما سودی نداشتم. ایرونیهایی که اینجا هستند اکثراً خانواده هستند و یا مرد مجرد که هر کدوم به گونه میتوانند گلیم خوشونو از آب بکشند، اما به دختر تنها باید چه کنه، کجا بره. موندن به همش اتلاف عمر وقت بود. و این 2 سال ایرونیهای دیگه قش 8 سال هم شنیدم که اینجا هستند بجه بونیا آوردن و کار ثابت دارند اما باز هم جواب منفی گرفتند. پس یکی مثل من چی، چی به سر من میاد. کارم شده که به خوردم گرسنگی بدم بلکه پول غذا پناهندگی رو جمع کنم با شبانه روز گریه و اشک اه. از من نتوانستند اثر انگشت بگیرند، خطوط اضافه طبیعی داشت اما نمیدونم آیا جای دیگه برم میتوانند کیس منو در کامپیوتر هسون ببینند یا نه، آیا اسکاندیناوی جداً داتاش یا اینکه همه اورو میتوانند اطلاعات رو چک کنند.

و به فرض هم که جای دیگه نگاهم دارند دوباره میرم توی پروسه چند ساله مثل اینجا که آیا آخرش بهم جواب مثبت بندند یا نه. نمیدونم چکار باید کنم که هم از این وضع انتظار رها بشم یعنی از حالا بتونم کاری کنم یا اینکه آگه جواب منفی نوم رو گرفتم بونوم چه باید کنم و اورنو دربر نشوم که اگر اوره بشوم و توی کوچه و خیابون باشم، هستند کسانی توی همون خیابونها که بهم جا بندند اما در مقابلش کاری از من انتظار دارند که دامن منو لک دار خواهد کرد و برای جلو گیری از این ننگ، ترجیح میدم که همون مرگ رو انتخاب کنم. نیومدم اینجا که خلاف عرف و فرهنگ و خانواده و شخصیت ذاتی خودم عمل کنم، اومدم که هم به امنیت و آزادی برسیم هم بتونم بعد از اقامت خودم در خدمت خانواده باشم. خواهش می کنم منو راهنمایی کنید آیا راهی هست که کس منو ببینند یا

قرار گرفته گفته است، اظهار داشت: «نگس تحصیل کرده در رشته گرافیک و سینما است و گویا برای اکران فیلمش به آلمان سفر کرده است، حال گویا در کنار این موضوع تقاضای پناهندگی نیز کرده که این یک تصمیم شخصی و مرتبط با خود اوست.»

مهدی کلهر همچنین گفته است، همسرش در اعتراض به همکاری وی با محمود احمدی نژاد در سال ۱۳۸۴ از وی جدا شده است و دخترش نرگس نیز نزد مادرش زندگی می کرد.

وی از تصمیم دخترش برای پناهندگی به یک کشور دیگر به عنوان «نشانی از آزادی در جمهوری اسلامی» یاد کرده و پرداختن رسانه ها به این خبر را «نشانه جو سازی و علاقه مندی آنها به تخریب چهره مسئولین کشور» دانسته است.

مشاور احمدی نژاد با ابراز بی اطلاعی از موضوع فیلم دخترش، در باره حمایت وی از «جنبش سبز» گفته است: «اینکه نرگس پارچه سبز به دستش بسته و با رسانه های غربی مصاحبه کرده به خود او مربوط است.»

وی در عین حال گفته است، همچنان نرگس را فرزند خودش می داند، اما او توسط «شمنان مملکت اغفال شده است.»

موضوع فیلم «دارخیش» به کارگردانی نرگس کلهر که در جشنواره حقوق بشر نورنبرگ به نمایش درآمد برگرفته از داستان بلند «گروه محکومان»، نوشته فرانس کافکا است.



منتخبی از نامه های رسیده

سلام و درود بر شما
جناب آقای اسدی

گروه شمارو در فیسبوک پیدا کردم و مدتی هم هست که عضو هستم اما چون با گروه دیگری در تماس بودم که بعد از مدتی تماس و قول به کمک نتیجه این شد که به قولی بک تو تاه دروینگ برد برم. دیگه به گوفی دیگه توجهی نمی کردم. حالا هم باز امید دارم که شاید از طریق شما خداوند دری رو به روی من باز کنه من یک پناهنده هستم که اکثری می شه ۲ سال که در اینجا یعنی نروژ منتظر جوابم تا حالا هم یک جواب منفی گرفتم و دفتر کمپ بهم گفت که چون به همه ایرانیهای دیگه هم منفی دادند احتمال منفی گرفتن نوم من هم هست. در